



گزارش تجمیعی مؤسسه پژواک امید کودک (پاک)

سال ۱۴۰۴

تدوین در خرداد ۱۴۰۵



فهرست

۴	شرح داستان شکل گیری موسسه پژواک امید کودک تا اجرای مداخلات حمایتی
۵	فعالیت‌های واحدهای مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی و آموزش
۱۰	وضعیت اثرگذاری
۱۴	گزارش عملکرد خدمات ۱۴۰۴ به تفکیک واحدها
۱۸	گزارش مالی ۱۴۰۴
۱۹	وضعیت دموگرافیک کودکان و خانواده آنان

مؤسسه‌ای بر ساخته از دل امیدی واقعی برای کودکان

طرح حمایت تحصیلی برنامه‌ای حمایتی - آموزشی است که با هدف پیشگیری از بازماندگی از تحصیل کودکان کم برخوردار، حفظ آنان در مدرسه با همکاری مدارس و نهادهای مدنی اجرا می‌شود.

با وجود تأکید قوانین بر حق آموزش رایگان، عوامل مؤثر بر بازماندگی از تحصیل، به ویژه فقر و مشکلات خانوادگی، ضرورت مداخلات تیمی شامل مددکار اجتماعی، روان‌شناس، کارشناسان آموزش و سلامت را برجسته می‌کند. این طرح از طریق مداخلات همه‌جانبه و جامع به حمایت پایدار از آنان می‌پردازد.

همچنین با توجه به اهمیت نقش خانواده، خدماتی مانند مشاوره و آموزش خانواده برای کاهش تنش و بهبود شرایط رشد کودک ارائه و وضعیت تحصیلی کودکان به طور مستمر پایش می‌شود. این برنامه از سال ۱۳۹۸ آغاز و در سال ۱۴۰۴ با ثبت رسمی مؤسسه "پژواک امید کودک" ساختاری منسجم یافته است و در جهت توسعه فرصت‌های برابر آموزشی و ارتقای عملکرد تحصیلی کودکان فعالیت می‌کند.

پس از ثبت نام اولیه در سامانه بهزیستی و ضرورت معرفی نشانی مؤسسه، یک واحد اداری اجاره شد و فعالیت مؤسسه با دو نیروی اصلی آغاز گردید. گام‌های اولیه آماده سازی و تجهیز مؤسسه برابر دستورالعمل‌های بهزیستی انجام شد که هم‌زمان با پیشرفت فرایند اخذ مجوز در جریان بود. با پیشرفت هر دو فرایند و ضرورت اقداماتی مانند تدوین اسناد اولیه، روش‌ها و دستورالعمل‌ها و ظرفیت‌یابی به تدریج نیروهای تخصصی به مجموعه افزوده شدند.

فرایند تجهیز و آماده سازی مؤسسه:

پس از صدور مجوز اولیه و تأیید مؤسسه، مطابق دستورالعمل بهزیستی از شهریورماه، یک واحد اداری دیگر در همان ساختمان مؤسسه پژواک امید کودک، اجاره شد و با تغییرات لازم اتاق مشاوره، اتاق بازی، فضایی برای برگزاری کلاس‌های آموزشی و فضایی متناسب برای استقرار پنج نیروی مددکار اجتماعی یا روان‌شناس ایجاد شد.

با هدف زیباسازی و ایجاد محیطی امن و شاد برای کودکان، تیم اجرایی با شور و هیجان و به صورت خودجوش در راستای رنگ‌آمیزی و ترسیم نقاشی‌های کودکان بر روی دیوارها اعلام همکاری کردند و در کوتاه‌ترین زمان، مناسب‌سازی محیط انجام و تجهیزات مورد نیاز تهیه و جانمایی شد.

در راستای تجهیز فضای آموزشی و سرگرمی، اسباب بازی‌های مناسب برای گروه‌های سنی مختلف دختران و پسران، بازی‌های فکری، کتابخانه، کتاب، کمد نگهداری اسباب بازی و صندلی مناسب کودکان تهیه گردید.

همچنین با همکاری و مشارکت همکاران، کلیه فرایند خرید، انتقال و چیدمان تجهیزات با دقت و هماهنگی انجام شد.

اقدامات ایمنی و بهسازی محیط:

به منظور ارتقای سطح ایمنی، اقدامات لازم از جمله ایمن‌سازی راه پله، پوشش پریزهای برق، نصب کپسول آتش‌نشانی، نصب دوربین‌های نظارتی، تهیه جعبه کمک‌های اولیه و در راستای بهبود شرایط محیطی، سیستم تهویه هوا (فن تهویه) نصب و راه‌اندازی شد. تهیه چک‌لیست روزانه خروج از مؤسسه نیز از دیگر اقدامات انجام‌شده بود.

برای افزایش ایمنی کودکان، گوشه‌ها و لبه‌های تیز میزها، ستون‌ها و سایر نقاط پرخطر با استفاده از ضربه‌گیرهای ایمنی پوشش داده شد و کفپوش فومی (تاتامی) در اتاق بازی نصب گردید.



فعالیت‌های واحدهای مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی و آموزش

مدرسه محوری:

در فصل تابستان، هم‌زمان با تداوم مداخلات فردی و با هدف ارتقای اثربخشی خدمات، رویکرد مدرسه‌محور در دستور کار قرار گرفت. در این راستا، از یک سو، پیگیری‌های لازم جهت اخذ مجوز از آموزش و پرورش به منظور ورود و همکاری با مدارس انجام شد و از سوی دیگر، تلاش برای معرفی مؤسسه به مدارس دولتی صورت گرفت.

با هدف شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل، برقراری ارتباط مؤثر و معرفی ظرفیت‌های مؤسسه، تا پایان آبان‌ماه بازدید و تعامل با مدارس ابتدایی مناطق ۳، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۲۰ شهر تهران انجام شد. در این فرایند، استقبال قابل توجهی از سوی مدیران مدارس مشاهده شد؛ به گونه‌ای که بسیاری از آنان با توجه به مسائل اجتماعی و روانی دانش‌آموزان، ضرورت حضور تیم حمایتی در مدرسه را مورد تأکید قرار دادند. با این حال، عدم اخذ مجوز رسمی از سوی آموزش و پرورش، مانع از شکل‌گیری همکاری‌های عملیاتی شد.

در این میان، تنها یک مدرسه با پیگیری مستقیم مدیریت و اخذ مجوز از حراست منطقه شرایط حضور مددکار اجتماعی و روان‌شناس را فراهم کرد و فعالیت کارشناسان از مهرماه در این مدرسه آغاز شد. همچنین، همکاری با مدرسه آموزشی غیردولتی (خودگردان) کودکان اتباع آل احمد نیز آغاز شد.

فرایند اخذ مجوز با چالش‌ها و موانع متعددی همراه بود. در راستای توسعه همکاری با مدارس دولتی و پیگیری اخذ مجوز، جلسات متعددی با نهادهای ذی‌ربط از جمله حراست منطقه ۱۵، مدیران آموزش و پرورش شهر تهران (معاونت مقطع ابتدایی)، مدیر اداره انجمن اولیا و مربیان، حراست کل، دبیرخانه و مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور (معاونت منطقه ابتدایی) برگزار شد.

بازماندگی از تحصیل و پیگیری ثبت‌نام:

با تأکید بر ضرورت تحصیل کودکان در نظام رسمی آموزش و پرورش، در مواردی که کودکان به دلیل نداشتن مدارک هویتی معتبر و عدم بازگشت به کشور خود طبق قانون، امکان ثبت‌نام در مدارس دولتی را نداشتند، به منظور جلوگیری از بازماندگی تحصیلی، با حمایت مؤسسه و پیگیری مددکاران اجتماعی روند ثبت‌نام آن‌ها در مدارس خودگردان ویژه اتباع آغاز شد.

شناسایی و جذب کودک:

هم‌زمان با آغاز خدمات اجتماعی مؤسسه، شناسایی و جذب دانش‌آموزان نیازمند حمایت در جامعه هدف به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در دستور کار قرار گرفت. به همین منظور جلسات داخلی شورای مدیران برگزار شد. پس از آن، رویکرد حضور و شناسایی میدانی، تعامل و معرفی مؤسسه با نهادهای محلی از جمله مدارس، سراهای محله، مراکز بهداشت و درمان و مساجد اجرایی گردید. در نهایت به ۴۸ مدرسه، ۴ سرای محله و ۴ مرکز بهداشت و درمان و ۲ مسجد جهت معرفی مؤسسه و اهداف و فعالیت‌های آن مراجعه شد.



شناسایی ظرفیت‌های اجتماعی و شبکه‌سازی:

در ادامه، به منظور استفاده از ظرفیت ارجاع، هم‌افزایی خدمات و بهره‌گیری از توان تخصصی جامعه محلی برای حمایت مؤثرتر از گروه هدف، تلاش‌های گسترده‌ای برای شناسایی و ایجاد ارتباط با نهادها و مراکز تخصصی صورت گرفت. از جمله:

- انجمن حمایت از حقوق کودکان (در حوزه ارجاع موارد حقوقی)
- انجمن حمایت از عقب‌ماندگان ذهنی همایون (در حوزه خدمات توان‌بخشی و آموزشی)

در نتیجه همکاری با انجمن همایون، امکان بهره‌مندی جامعه هدف از خدمات این مرکز با تخفیف ۳۰ درصدی فراهم گردید.

تهیه و تدوین شیوه‌نامه‌ها در حوزه‌های مداخله:

در راستای اجرای نظام‌مند خدمات تخصصی مؤسسه، مجموعه‌ای از ضوابط و دستورالعمل‌های اجرایی در حوزه‌های زیر تهیه شده است:

تروما، ارتباط مؤثر، مصاحبه‌های تخصصی، اختلال مصرف مواد، مصاحبه انگیزشی، ارزیابی‌های روانی - اجتماعی، فرزندپروری، توانمندسازی خانواده، مداخلات در بحران فرار از منزل، کودک‌آزاری جنسی و خودکشی، فرایند خاتمه مداخلات و رویکرد مدرسه محور.

پس از جنگ دوازده روزه، کودکان و خانواده‌ها با مشکلات تغذیه‌ای جدی‌تری نسبت به قبل مواجه بودند. به همین منظور، شیوه‌نامه تغذیه و جذب منابع حمایتی تهیه شد. در همین راستا، امکان همکاری و تأمین بخشی از نیازهای حمایتی از طریق حمایت نیکوکارانه کارکنان روابط عمومی فروشگاه اینترنتی آکالا فراهم شد.

تفاهم‌نامه و همکاری‌های بین سازمانی:

در این سال در راستای توسعه و نظام‌مندسازی همکاری‌های بین سازمانی، تفاهم‌نامه‌هایی با مؤسساتی که پیش‌تر نیز همکاری با آنها وجود داشته است، تدوین و به امضا رسید که به شفاف‌سازی انتظارات، تسریع در تصمیم‌گیری‌های مشترک و بهبود کارایی اجرای برنامه‌ها منجر شد.

تفاهم‌نامه با مدرسه خودگردان عترت، مدرسه خودگردان شهید بلخی، آموزشگاه فرهنگ و مؤسسه نهال یاری کودک منعقد شد.

آموزش و جذب نیروهای کارورز:

با اتکا به سرمایه ارتباطی حاصل از تعاملات پیشین با دانشگاه‌ها و اعضای هیئت علمی و شکل‌گیری اعتماد نسبت به توانمندی‌های مؤسسه، زمینه ارجاع کارورز فراهم شد و جذب کارورزان در مجموعه محقق گردید. ۴ کارورز در واحد مددکاری اجتماعی جذب شدند.

جنگ و اقدامات حمایتی:

در اسفند ماه، به دنبال وقوع جنگ و شرایط ناشی از آن، فعالیت‌های کارشناسان با وقفه مواجه شد. نظر به این که بخش عمده خدمات این مؤسسه مبتنی بر مراجعات حضوری است، این وضعیت تأثیر مستقیمی بر روند ارائه خدمات داشت. با این وجود تمهیدات لازم به منظور تداوم حمایت از جامعه هدف اتخاذ گردید. در این راستا، پیگیری مستمر وضعیت خانواده‌ها در دستور کار قرار گرفت و تلاش شد نیازهای ضروری ایشان، از جمله تأمین اقلام غذایی و خدمات درمانی، مرتفع شود. همچنین خدمات مشاوره‌ای در حوزه مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی به صورت غیرحضوری ارائه شد.

شایان ذکر است تا پایان اسفندماه مورد خاصی که مستلزم مداخله در بحران باشد گزارش نشد. علاوه بر این، کارشناسان به صورت تمام وقت در دسترس بوده و ارتباط مستمر با کودکان و خانواده‌ها حفظ گردید.



آخرین عکس روز ۹ اسفند، قبل از خروج و تعطیلی به دلیل جنگ

اقدامات واحد مددکاری اجتماعی:

- شناسایی و جذب کودکان جدید
- تکمیل فرم اولیه تصویب‌خواهی (فرم شامل اطلاعات کودک، خانوار، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سلامت جسمی و روانی و...) برای کودکان شناسایی شده
- برگزاری جلسه تصویب‌خواهی با حضور مددکار اجتماعی، سرپرست مددکار اجتماعی و مدیران مربوطه
- تشکیل پرونده مددکاری اجتماعی برای کودکان جدید در بستر پلتفرم
- انجام بازدید منزل به صورت دوره‌ای (سالانه دو مرتبه) و با هدف بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی، روابط خانوادگی و شناخت دقیق شرایط زندگی و محیطی کودک و خانواده
- انجام بازدید مدرسه به صورت مستمر و با هدف شناسایی مشکلات رفتاری و تحصیلی کودکان
- انجام خدمات مشاوره و پیگیری‌های مددکاری اجتماعی
- تهیه و تدوین پرسش‌نامه نیازسنجی برای والدین و کادر مدرسه
- انجام فرایند نیازسنجی کودکان، والدین، کادر مدرسه با هدف شناسایی مسائل، مشکلات و نیازها جهت برگزاری کارگاه‌های آموزشی
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی بر اساس نتایج ارزیابی
- ارائه بسته‌های مواد غذایی بنا به ضرورت و برحسب گزارش‌های مددکاری اجتماعی به کودکان و خانواده‌هایشان
- پرداخت کمک هزینه‌های دارو و درمان
- پرداخت کمک هزینه‌های آموزشی و شهریه
- تهیه و تنظیم گزارش‌های مددکاری اجتماعی برای موارد خاص.

- برگزاری منظم جلسات کارگروه مددکاری اجتماعی
- **اقدامات واحد روان شناسی:**
- مصاحبه و ارزیابی کودک و خانواده
- تشکیل پرونده روان شناسی برای کودکان جدید در بستر پلتفرم
- فرایند ارزیابی کودکان، والدین، کادر مدرسه
- برگزاری کارگاه های آموزشی بر اساس نتایج ارزیابی
- اجرای آزمون ها و تحلیل نقاشی کودکان با هدف شناخت وضعیت هیجانی و روان شناختی آنان
- پیگیری غیرحضورى وضعیت خانواده ها در بازه زمانى جنگ

اقدامات واحد آموزش:

- تهیه بانک اطلاعات مدارس برخی مناطق تهران
- برقراری ارتباط مستمر با مدارس و مدیران
- پیگیری جذب داوطلب از طریق سامانه داوطلبی خیر ایران و ارتباطات غیررسمی
- تهیه و تدوین دستورالعمل مذاکره با مدارس
- تهیه بانک اطلاعات کودکان
- طراحی فرم ارزیابی تحصیلی کودکان
- طراحی فرم نیازسنجی مدارس
- اهدای ۵۷ جلد کتاب به همراه نقشه پراکندگی جانوری ایران به کتابخانه مدرسه ایثار
- فراهم سازی دسترسی آسان به کتاب در حیط مدرسه با هدف ترویج فرهنگ کتاب خوانی

سایر اقدامات

- برقراری ارتباط با سرای محله ها و مراکز بهداشت منطقه
- راه اندازی صفحات رسمی مؤسسه در شبکه های اجتماعی
- تهیه و تدوین برنامه مراقبت سازمانی
- تهیه وسایل لازم برای بازی درمانی به درخواست واحد روان شناسی

وضعیت اثرگذاری

- همان‌طور که در گزارش‌های پیشین اشاره شده بود، آشنایی پژواک با مدرسه آل احمد فرصتی بود که مورد استقبال قرار گرفت. در همان اولین جلسات، مدیر مدرسه، از کودکانی صحبت کرد که نیاز به پیگیری و رسیدگی جدی داشتند. کودکانی که در سال‌های گذشته به دلیل کمبود وقت، نیروی انسانی و کارشناسان خبره از تحصیل بازمانده شده بودند. پس از شروع همکاری با مدرسه و با تلاش جدی تیم حمایتی، تا کنون حضور مددکار اجتماعی و روان‌شناس در این مدرسه بسیار مؤثر واقع شده است و ۴۱ کودک تحت حمایت هستند. از این ۴۱ کودک، ۱۱ کودک در سن تحصیل از چرخه آموزش بازمانده بودند که با پیگیری‌ها وارد چرخه تحصیل شدند؛ ۱۶ نفر نیز به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم توانایی پرداخت شهریه در معرض بازماندگی بودند. با بررسی‌ها و گزارش‌های مددکار اجتماعی تعداد زیادی از کودکان مدرسه نیازمند حمایت هستند که به دلیل محدودیت منابع انسانی و پیچیدگی برخی پرونده‌ها امکان رسیدگی به آن‌ها وجود ندارد.
- در مدرسه شهید بلخی، حدود ۲۵ خانواده به دلیل مشکلات مالی، بالا بودن مبلغ شهریه و عدم توانایی پرداخت تصمیم به خروج از مدرسه داشتند. مددکار اجتماعی به منظور جلوگیری از بازماندگی در چرخه تحصیل با خانواده‌ها وارد گفتگو شد و با تقبل پرداخت تمام یا بخشی از هزینه شهریه، موفق به نگهداشت کودکان در چرخه تحصیل شد.
- به دنبال قانون بازگشت اجباری اتباع، کودکان فاقد مدرک هویتی معتبر امکان تحصیل نداشته و در معرض بازماندگی بودند. با تلاش و پیگیری‌های مددکار اجتماعی انجمن پویش دوستداران کودک، ۳۰ کودک اتباع در مدارس دولتی ثبت‌نام شدند و از بازماندگی آن‌ها جلوگیری شد.
- در مؤسسه نهال یاری کودک، ۱۵ کودک در معرض بازماندگی از تحصیل بودند. دلایل متعددی از جمله دوری مسیر و نداشتن هزینه رفت و آمد، مشکلات اقتصادی و عدم توان پرداخت شهریه، عدم پیگیری تحصیل کودکان توسط خانواده، اعتیاد والدین و... برای بازماندگی وجود داشت. رایزنی با مدارس و مدیران و اقدامات به موقع مددکار اجتماعی مانع این امر شد و خوشبختانه کودکان موفق به ادامه تحصیل شدند.
- در آموزشگاه فرهنگ، دو کودک به دلیل مشکلات مالی در معرض بازماندگی بودند که با پیگیری‌ها مشکل رفع شد.

*وقتی مداخله معنا پیدا می کند:

روایت ۱

علی و سامیار، دو کودک از خانواده اتباع، در ابتدای آشنایی با مددکار اجتماعی در شرایطی ناپایدار و پرچالش زندگی می کردند. مادر خانواده به دلیل نگهداری از فرزند نوزاد، امکان اشتغال نداشت و پدر رد مرز شده بود. نبود منبع درآمد ثابت، این خانواده را در معرض آسیب های جدی قرار داده بود. در همین شرایط، علی و سامیار به جهت کمک به تأمین هزینه های زندگی، به جمع آوری ضایعات مشغول بودند و علی از تحصیل بازمانده شده بود. با ورود این خانواده به طرح حمایتی، فرایند مداخله آغاز شد. مددکار اجتماعی با برگزاری جلسات مشاوره برای مادر، تلاش کرد تا مسیرهای جایگزین برای تأمین معیشت را فراهم کند. در ادامه، با حمایت مؤسسه، خانواده تحت پوشش حمایت های معیشتی قرار گرفت و بسته های غذایی به صورت ماهانه در اختیارشان قرار گرفت.

همزمان تلاش شد تا کودکان از چرخه کار خارج شوند. علی مجدداً به مدرسه بازگشت و برای تقویت وضعیت تحصیلی و روانی آن ها، ارزیابی تخصصی انجام شد. با توجه به نیازهای شناسایی شده، آن ها به مراکز مرتبط ارجاع داده شدند و در کلاس های اختلال یادگیری و کاردرمانی شرکت کردند. در کنار این اقدامات، وضعیت اشتغال مادر نیز بهبود یافت. با مشاوره های مددکار اجتماعی، او به انجام کارهای خانگی و نظافت منزل روی آورد و به تدریج توانست نقش فعال تری در تأمین هزینه های خانواده ایفا کند.

این مسیر بدون چالش نبود، با شروع جنگ شرایط خانواده مجدداً دچار نوسان شد؛ اما تداوم حمایت ها مانع از بازگشت به وضعیت بحرانی گردید. امروز، وضعیت این خانواده نسبت به گذشته ثبات بیشتری پیدا کرده است. کودکان در مسیر تحصیل قرار گرفته اند. ارتباطات خانوادگی بهبود یافته و امید به آینده در میان اعضای خانواده تقویت شده است.

"اسامی کودکان واقعی نیست، گزارش مربوط به مدرسه غیر دولتی آل احمد است"

روایت ۲

هانیه و برادر کوچک ترش ایلیا، یکی از کودکان تحت حمایت، در مقطعی از زندگی با مانعی جدی روبه رو شدند؛ نداشتن مدرک هویتی معتبر، آن ها را از ادامه تحصیل بازداشت و مسیر زندگی شان را دستخوش تغییر کرد.

در ادامه، به دلیل بیکاری پدر، شرایط اقتصادی خانواده با دشواری های بیشتری همراه شد. در نبود یک منبع درآمد پایدار، هانیه و ایلیا برای کمک به تأمین هزینه های زندگی، وارد چرخه کار شدند و از فضای آموزش فاصله گرفتند.

در این میان، نشانه هایی از فشارهای روانی در هانیه مشاهده شد که نیازمند توجه تخصصی بود. به همین منظور، روند مداخله آغاز شد و او جهت دریافت خدمات روان شناختی به مراکز مربوطه ارجاع داده شد. همچنین هزینه های درمان و داروهای مورد نیاز او تأمین گردید تا روند درمان با ثبات بیشتری ادامه یابد.

در کنار این اقدامات، وضعیت سایر کودکان خانواده نیز مورد توجه قرار گرفت. خواهر و برادر کوچک تر که در معرض بازماندگی از تحصیل بودند، شناسایی و به مراکز آموزشی معرفی شدند و حمایت های لازم برای ادامه تحصیل آن ها فراهم شد.

همزمان برخی مشکلات جسمی کودکان نیز پیگیری و درمان شد. برای مادر خانواده نیز جلسات مشاوره در نظر گرفته شد تا بتواند در مدیریت شرایط خانواده نقش مؤثرتری ایفا کند.

در ماه های اخیر، با بهبود نسبی شرایط، پدر خانواده مجدداً مشغول به کار شده و توانسته بخشی از نیازهای اساسی خانواده را تأمین کند؛ از جمله تهیه هزینه نسبتاً بالای عینک مورد نیاز کودکان.

امروز؛ اگرچه این خانواده همچنان با چالش هایی روبه رو است، اما تغییرات قابل توجهی در مسیر زندگی آن ها شکل گرفته است؛ کودکان به فضای آموزش نزدیک تر شده اند، روند درمان ادامه دارد و شرایط کلی خانواده نسبت به گذشته، به ثبات بیشتری رسیده است.

"اسامی کودکان واقعی نیست، گزارش مربوط به انجمن یاری کودکان در معرض خطر است"

روایت ۳

احسان، عرفان، یوسف و مدینه از جمله کودکانی هستند که از آبان ماه تحت حمایت قرار گرفتند. سرپرستی خانواده بر عهده مادر است و به دلیل داشتن فرزند خردسال، امکان اشتغال برای وی وجود نداشته است. پدر جدا از خانواده زندگی می‌کند و نقشی در تأمین معاش آن‌ها ندارد.

در چنین شرایطی، بار اقتصادی خانواده بر دوش کودکان قرار گرفت. عرفان و احسان برای کمک به تأمین هزینه‌های زندگی، در میوه‌فروشی مشغول به کار شده بودند؛ شغلی که در آن نه تنها کارفرما در پرداخت حق و حقوق آن‌ها اجحاف می‌کرد، بلکه با رفتارهای خشونت‌آمیز وی نیز همراه بود.

با شروع مداخلات، جلسات مشاوره با مادر در دستور کار قرار گرفت. در ادامه این روند، با همراهی و موافقت مادر، عرفان از چرخه کار خارج و با پیگیری‌های انجام شده، شرایط شغلی یوسف بهبود یافت و محیط کاری مناسب‌تری برای او فراهم شد.

در مسیر توانمندسازی خانواده، تلاش شد تا زمینه اشتغال برای مادر یا دختر بزرگ‌تر فراهم شود، اما بروز شرایط ناپایدار ناشی از وضعیت جنگی، این روند را با مشکل مواجه کرد. در حال حاضر، بخش عمده‌ای از مسئولیت تأمین معاش خانواده بر عهده یوسف است و تا رسیدن خانواده به شرایطی باثبات‌تر، حمایت‌های معیشتی از طریق تأمین بسته‌های مواد غذایی ادامه دارد.

در حوزه آموزش در ابتدای مداخلات تنها عرفان در حال تحصیل بود و سایر کودکان از آموزش بازمانده بودند. با پیگیری‌های صورت گرفته، احسان مجدداً به مسیر تحصیل بازگشت و در مدرسه ثبت‌نام شد. با این حال، یوسف و مدینه به دلیل فاصله طولانی از فضای آموزشی و برخی چالش‌های روانی، همچنان بازمانده هستند.

در کنار این موارد وضعیت روانی مادر نیز نیازمند توجه جدی بود. نشانه‌هایی از فشارهای شدید روانی در ایشان مشاهده شد و به همین دلیل، فرایند ارجاع به خدمات تخصصی روان‌شناسی و روان‌پزشکی انجام گرفت. جلسات درمانی به صورت مستمر در حال برگزاری است و حمایت‌های لازم برای تأمین داروهای مورد نیاز ایشان نیز فراهم شده است. همچنین اقدامات لازم برای افزایش ایمنی و ثبات وضعیت روانی ایشان در دستور کار قرار دارد.

امروز، اگرچه این خانواده همچنان با چالش‌های متعددی روبه‌رو است، اما مداخلات انجام شده توانسته بخشی از مسیر را تغییر دهد؛ کاهش حضور کودکان در چرخه کار، بازگشت به تحصیل برای احسان و آغاز روند درمان، نشانه‌هایی از حرکت تدریجی این خانواده به سوی ثبات بیشتر است.

"اسامی کودکان واقعی نیست، گزارش مربوط به مدرسه غیر دولتی آل احمد است"

روایت ۴

سارا، فرزام و علیرضا کودکانی هستند که به تازگی تحت حمایت قرار گرفتند و هر کدام در ابتدای مسیر، با نوعی از انزوا و دشواری در ارتباطات اجتماعی وارد این فرایند شدند. در فضای مدرسه، سارا بیشتر با تنش و برداشت‌های منفی و درگیری از روابط شناخته می‌شد؛ در حالی که فرزام و علیرضا بیشتر در سکوت و گوشه‌گیری روزهای خود را می‌گذراندند.

با شروع جلسات منظم مشاوره و آموزش مهارت‌های ارتباطی، به تدریج تغییرات قابل مشاهده‌ای در رفتار و روابط اجتماعی کودکان شکل گرفت. آن‌ها آرام‌آرام توانستند وارد تعامل با همسالان شوند، دوستی‌های جدید بسازند و از فضای انزوا فاصله بگیرند. رابطه سارا با محیط مدرسه نیز به مرور متعادل‌تر شد.

اما در پس این تغییرات مثبت، واقعیت زندگی خانوادگی آن‌ها بسیار سخت و نگران‌کننده است. خانواده در شرایط معیشتی بسیار دشوار زندگی می‌کند؛ محل سکونت کاملاً غیرایمن و ابتدایی در پشت بام محل کار پدر (میوه‌فروشی) و با سازه‌ای موقت از نایلون و گونی شکل گرفته است. این فضا نه تنها از نظر ایمنی و آسایش در سطح پایینی قرار دارد؛ بلکه دسترسی به امکانات اولیه زندگی نیز در آن محدود و سخت است.

در کنار این شرایط، وضعیت اقتصادی ضعیف خانواده و درآمد حداقلی پدر، فشار مضاعفی بر زندگی روزمره آن‌ها وارد کرده است. با این حال، در راستای حمایت، بسته‌های غذایی به صورت ماهانه در اختیار خانواده قرار گرفته و پیگیری برای بهبود شرایط شغلی پدر همچنان ادامه دارد.

در حوزه سلامت روان نیز، مادر و سارا با چالش‌هایی مواجه بودند که به خدمات تخصصی ارجاع شده و تحت درمان قرار گرفته‌اند. همچنین آموزش‌های ارائه شده در زمینه بهداشت فردی، به بهبود نسبی وضعیت مراقبت‌های روزمره در خانواده کمک کرده است.

در مجموع، مداخلات انجام شده منجر به بهبود قابل توجه در وضعیت اجتماعی کودکان شده است، با این حال تداوم حمایت‌های چندبعدی برای تثبیت این روند ضروری است.

"اسامی کودکان واقعی نیست، گزارش مربوط به مجتمع آموزشی فرهنگ کودکان آفتاب است"

روایت ۵

مبینا و فاطمه از کودکانی هستند که به تازگی تحت حمایت قرار گرفته‌اند؛ کودکانی که تجربه‌ای سنگین از گسست خانوادگی را در سال‌های ابتدایی زندگی خود پشت سر گذاشته‌اند. حدود ده سال پیش، والدین آن‌ها به دلیل اعتیاد مادر از یکدیگر جدا شدند و از آن زمان، کودکان در کنار پدر و مادر بزرگ پدری زندگی می‌کنند.

با وجود گذشت زمان، آثار این جدایی و آسیب‌های ناشی از اعتیاد همچنان در زندگی آن‌ها، به ویژه در رفتارهای مبینا، قابل مشاهده است. روابط درون خانواده نیز از انسجام و کیفیت لازم برخوردار نیست و میان اعضا، به ویژه میان پدر، مادر بزرگ و کودکان، فاصله عاطفی و تعارض دیده می‌شود. در آغاز مداخلات، مددکار اجتماعی با ارجاع کودکان به خدمات روان‌شناسی تلاش کرد مسیر بهبود را آغاز کند. با این حال، به دلیل محدودیت‌های مالی، مادر بزرگ امکان همراهی مستمر کودکان در جلسات را نداشت، بنابراین مددکار اجتماعی با همراهی مستقیم کودکان و تأمین هزینه‌های رفت و آمد، زمینه استمرار جلسات را فراهم کرد.

هم‌زمان، جلسات مشاوره مددکاری اجتماعی با تمرکز بر بهبود روابط و مهارت‌های بین فردی برگزار شد. در این جلسات، مهارت‌های پایه زندگی از جمله تقسیم وظایف، مسئولیت‌ها، تقویت اعتماد میان اعضای خانواده و بهبود الگوهای ارتباطی آموزش داده شد.

با توجه به تداوم برخی مسائل و پیچیدگی شرایط، ارجاع به روان‌پزشک نیز در دستور کار قرار گرفته و این روند همچنان در حال پیگیری است. "اسامی کودکان واقعی نیست، گزارش مربوط به انجمن دوستداران کودک پویش است"

"هر قدم کوچک در این مسیر، فاصله کودکان و خانواده‌ها را از شرایط دشوار گذشته بیشتر کرده است."



۱۲۳۲ مورد مشاوره تخصصی



۱۹ مورد مداخله در بحران اجتماعی و روانی



۷۷۲ مورد بازدید مدرسه



۲۵۱ مورد بازدید منزل تخصصی



۲۹ مورد همراهی با مددجو در ارجاعات



۵۰۰ مورد مشاوره تخصصی روانشناختی



۹۵۵ نفر ساعت برگزاری کارگاه برای کودک و خانواده



۳۹۵ مورد کمک هزینه دارو و درمان



۳۶ مورد برگزاری کلاس جبرانی



۳۱ مورد تامین اقلام آموزش



۱۳۸ مورد کمک هزینه معیشتی



۳۳ مورد کمک هزینه پوشاک و کفش



۱۰ مورد تهیه و تعمیر لوازم خانگی



۸۲۷ مورد کمک هزینه تحصیلی



۱۱۴ سرویس دانش آموزان به مدارس



۱۸۹ مورد کمک مالی مشروط



هزینه های مستقیم سال ۱۴۰۴

هزینه های حوزه آموزش (ریال)

۱۱.۲۳۸.۶۸۴.۸۶۴

هزینه های حوزه سلامت (ریال)

۱.۳۲۲.۶۷۹.۲۰۳

هزینه های حمایت اجتماعی و اقتصادی (ریال)

۳.۸۵۸.۳۶۱.۱۵۰

هزینه های خدمات اجتماعی (ریال)

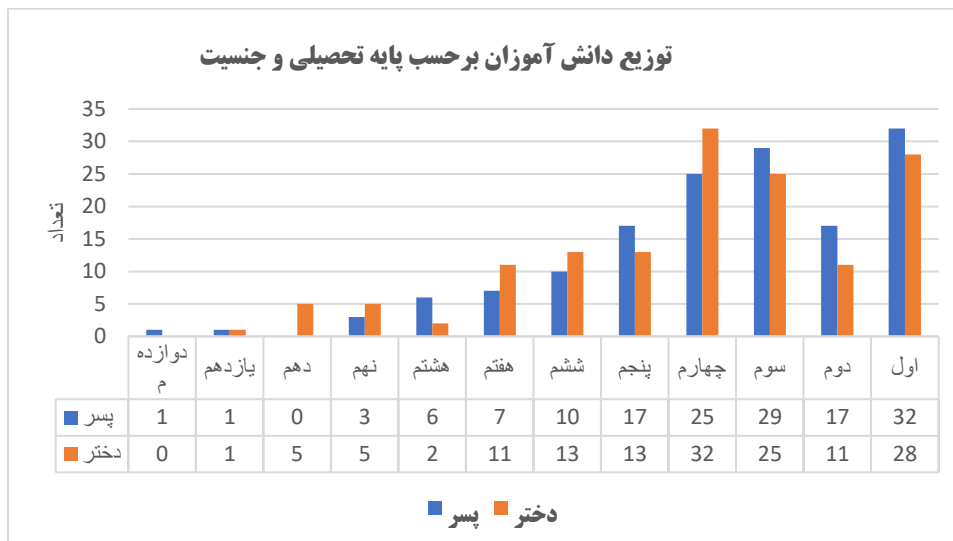
۷.۸۶۷.۱۴۵.۰۵۰

نکته:

گزارش هزینه ها به شش ماهه دوم سال ۱۴۰۴ از شروع فعالیت های پژواک اختصاص دارد.

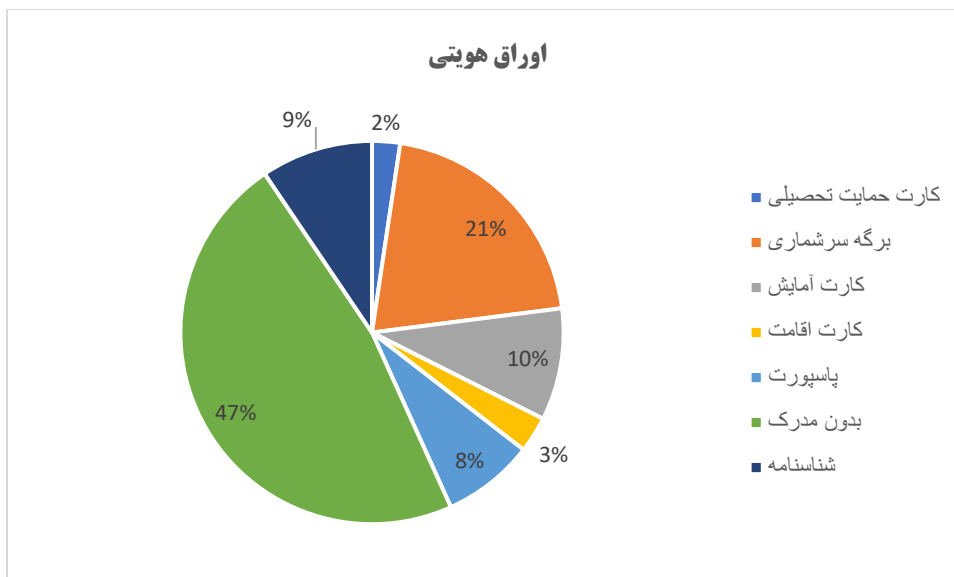
وضعیت دموگرافیک کودکان و خانواده آنان

نمودار و جدول (۱): توزیع فراوانی کودکان برحسب پایه تحصیلی و جنسیت



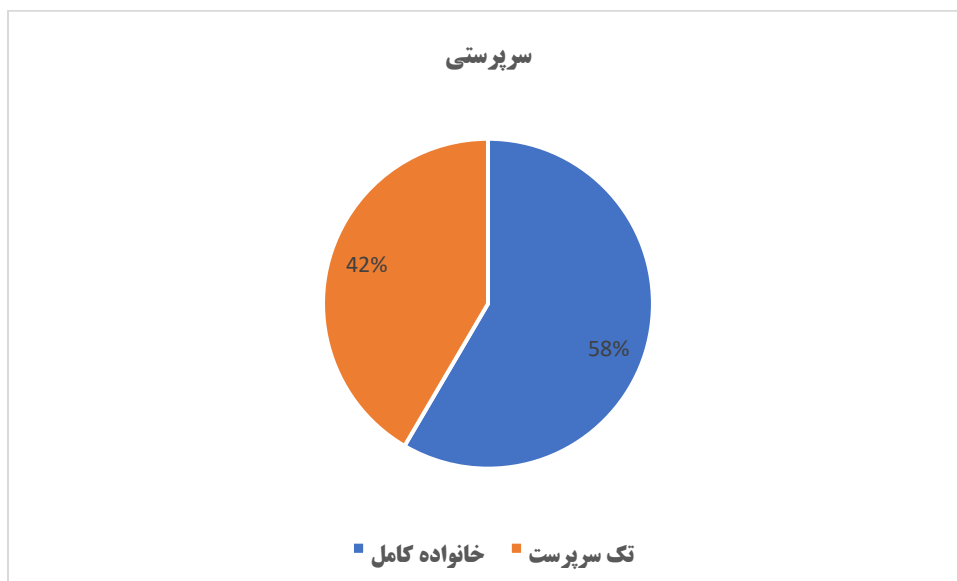
- ۲۹۶ کودک تحت حمایت هستند.
- تمرکز در مقطع ابتدایی: ۲۵۲ دانش آموز در پایه های اول تا ششم ابتدایی قرار دارند. این موضوع نشان می دهد که جامعه هدف عمدتاً شامل کودکان سنین پایین است و مداخلات در این گروه سنی می تواند اثرگذاری بلندمدت بیشتری داشته باشد.
- در بیشتر پایه های ابتدایی، تعداد دختران و پسران نسبتاً متعادل است. این موضوع نشان می دهد که دسترسی اولیه به آموزش برای هر دو جنس تقریباً برابر بوده است.
- لازم به ذکر است دو کودک بازمانده از تحصیل به دلیل شرایط خاص و بحرانی تحت حمایت هستند و در آمار توزیع فراوانی به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت لحاظ نشده اند.

نمودار (۲): وضعیت اوراق هویتی



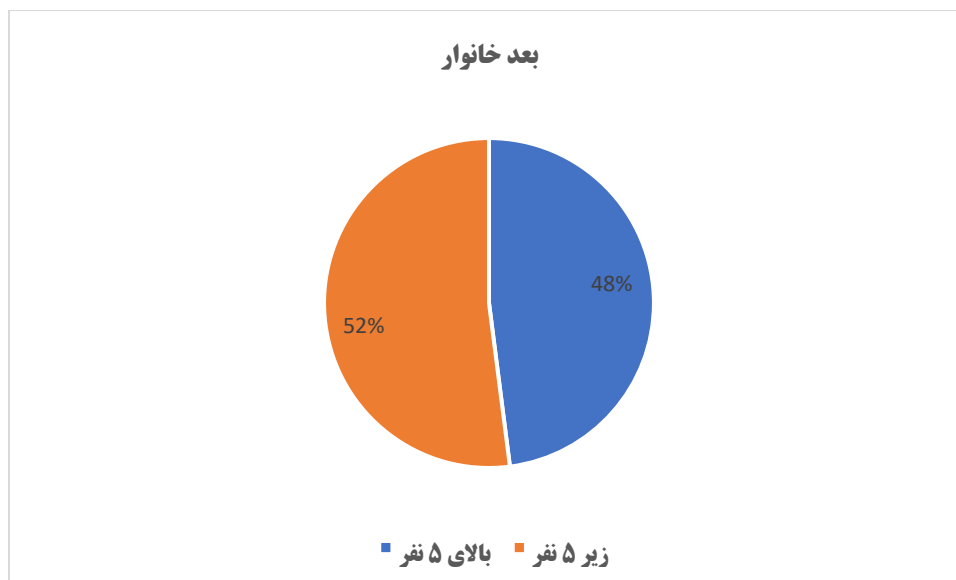
این آمار نشان‌دهنده محرومیت هویتی گسترده کودکان است. حدود ۷۰ درصد کودکان فاقد مدرک هویتی معتبر هستند. این وضعیت دسترسی آنان به آموزش، خدمات درمانی، حمایت‌های اجتماعی، بیمه و سایر حقوق اساسی را با محدودیت جدی مواجه می‌کند. وقتی کودکان به هر دلیلی از فهرست خدمات و حقوق انسانی خود در مراجع رسمی خارج می‌شوند تنها و ناچارترین گزینه نهادهای غیردولتی و مردمی است در غیر این صورت آسیب‌ها در راه خواهند بود.

نمودار (۳): وضعیت سرپرستی



سهم بالای خانواده‌های تک سرپرست یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آسیب‌پذیری اجتماعی در این جامعه است. در چنین خانواده‌هایی معمولاً بار اقتصادی و تربیتی بر دوش یک نفر قرار دارد که احتمال فقر، کار کودک و افت تحصیلی را افزایش می‌دهد. تک سرپرستی هزینه‌های روانی و اجتماعی غیر مستقیم زیادی نیز به همراه دارد که غفلت از آن غیر قابل جبران است.

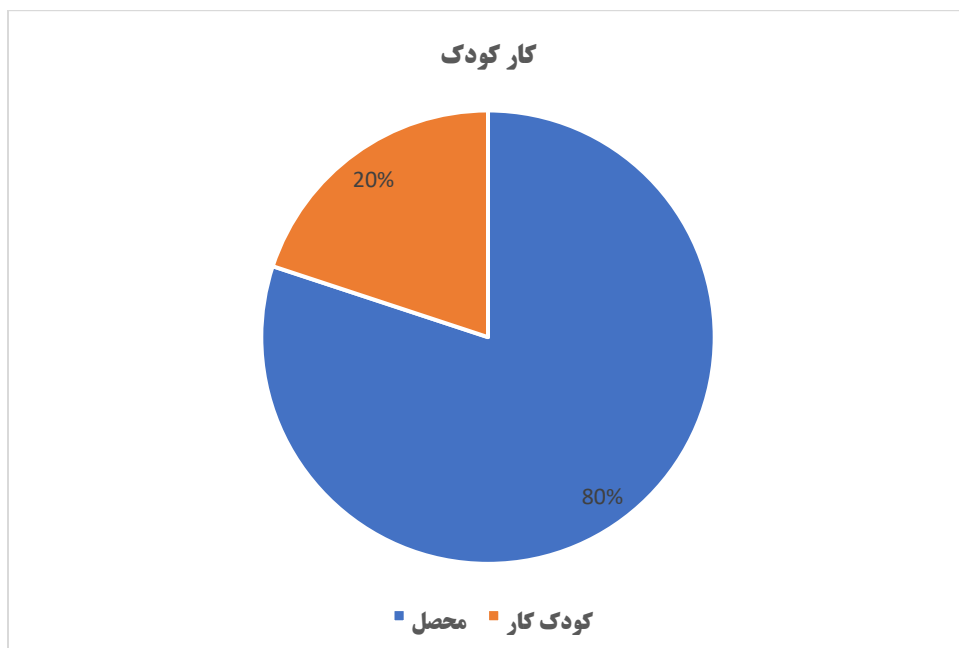
نمودار (۴): بعد خانوار



تقریباً نیمی از کودکان در خانواده‌های پرجمعیت زندگی می‌کنند. خانواده‌های پرجمعیت معمولاً با محدودیت منابع مالی، آموزشی و رفاهی بیشتری مواجه هستند که می‌تواند بر کیفیت زندگی و فرصت‌های آموزشی کودکان تأثیر منفی بگذارد. از طرفی این گروه

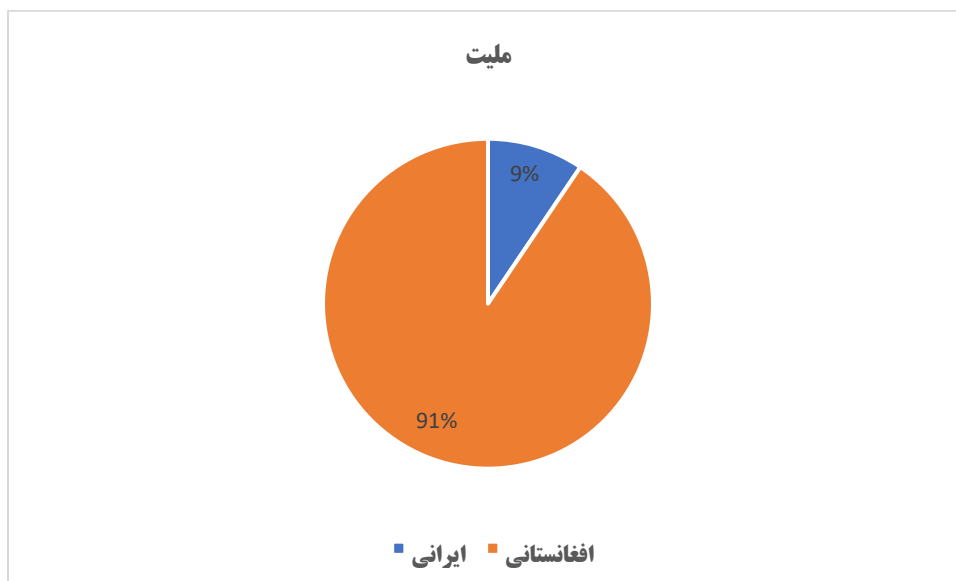
از خانواده ها در جمعیت هدف ما عموماً فاقد توانمندی و مهارت‌های لازم برای مدیریت خانواده پرجمعیت خود هستند که این موضوع خود باعث آسیب بیشتری می شود.

نمودار (۵): وضعیت کار کودک



هرچند اکثریت کودکان در چرخه آموزش قرار دارند، اما وجود تقریباً یک کودک کار به ازای هر پنج کودک، زنگ خطری جدی محسوب می شود. این میزان نشان دهنده فشار اقتصادی قابل توجه بر خانواده‌هاست و زمینه‌ساز افت تحصیلی، ترک تحصیل و کاهش فرصت‌های رشد و توسعه فردی کودکان است. همچنین وجود ۵۹ کودک کار (حدود ۲۰ درصد جامعه) می تواند یکی از عوامل اصلی کاهش حضور در پایه‌های بالاتر باشد.

نمودار (۶): ملیت



غلبه چشمگیر کودکان اتباع نشان می‌دهد که جامعه هدف عمدتاً از خانواده‌های مهاجر تشکیل شده است. این موضوع اهمیت توجه به مسائل مرتبط با اقامت، هویت قانونی، دسترسی به آموزش و خدمات حمایتی را دو چندان می‌کند. همچنین بخشی از چالش‌های آموزشی و اجتماعی مشاهده شده، ریشه در شرایط مهاجرت و وضعیت اقامتی خانواده‌ها دارد.

جمع‌بندی نهایی:

- بررسی وضعیت این کودکان نشان می‌دهد که جامعه مورد مطالعه با چندین عامل هم‌زمان آسیب‌پذیری مواجه است:
- غلبه جمعیت اتباع
- وجود تعداد قابل توجهی کودک کار (حدود ۲۰ درصد)
- حضور گسترده خانواده‌های تک سرپرست (حدود ۴۱ درصد)
- زندگی نزدیک به نیمی از کودکان در خانواده‌های پر جمعیت
- محرومیت هویتی کودکان (حدود ۷۰ درصد)
- کاهش چشمگیر ادامه تحصیل در مقاطع متوسطه

ترکیب این عوامل نشان می‌دهد که اگرچه بخش قابل توجهی از کودکان هنوز در نظام آموزشی حضور دارند، اما خطر ترک تحصیل، ورود به بازار کار و تداوم چرخه فقر در سال‌های آینده برای این جامعه جدی است؛ بنابراین اولویت برنامه‌های حمایتی باید بر حفظ کودکان در چرخه آموزش، کاهش کار کودک و حمایت از خانواده‌های تک سرپرست متمرکز باشد. این موارد بیشترین تأثیر را بر بهبود شرایط زندگی و آینده کودکان جامعه مورد مطالعه خواهند داشت.

جمع‌بندی: طرح حمایت تحصیلی مؤسسه پژواک امید کودک با بهره‌گیری از رویکردی چندرشته‌ای و مبتنی بر همکاری بین‌بخشی، تلاش کرده است با شناسایی و کاهش موانع تحصیل کودکان، زمینه تداوم آموزش و ارتقای کیفیت زندگی آنان را فراهم آورد.

دستاوردهای حاصل شده نشان می‌دهد که مداخلات تخصصی و شبکه‌سازی اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از بازماندگی از تحصیل و تحقق عدالت آموزشی ایفا کند.

امید است یافته‌های این گزارش بتواند در طراحی و اجرای برنامه‌های حمایتی، آموزشی و توانمندسازی خانواده‌ها مورد استفاده قرار گرفته و زمینه بهبود شرایط زندگی و آینده کودکان جامعه هدف را فراهم سازد.

با تشکر فراوان از همکاران عزیز.